

بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری برانگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر دزفول در سال
تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

سمانه حیدری

کارشناسی روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ایران

miss.heidari.1373@gmail.com

شهلا سمومی

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، اهواز، ایران

shahlasamomi@gmail.com

زهرا روستا

کارشناسی روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام نور واحد ارسنجان، ایران

Zahrarousta75@gmail.com

فروزان طریفی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اشنیتان شهر اراک، ایران

forozaan345@yahoo.com

مهران محببیان فر

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، اهواز، ایران

mehran.mohebian@gmail.com

امیرعلی رجنی

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنده، کرمان، ایران.

Amirali.Rajani1996@yahoo.com

چکیده:

یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی خانواده می‌باشد؛ که در شکل‌گیری نگرش فرزندان نسبت به تحصیل هم نقش دارند. هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی مدارس شهر دزفول بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان مقطع دبستان شهر دزفول می‌باشد. تعداد ۳۰۰ نفر از دانش آموزان به صورت در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند و در نهایت پس از ریزش و جدا کردن پرسشنامه‌های ناقص تعداد ۲۶۵ نفر باقی ماندند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامریند و پرسشنامه پیشرفت تحصیلی هارتر (۱۹۸۱) استفاده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (همبستگی) استفاده شد. سطح معناداری آزمون $P \geq 0.05$ در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری با انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. پس باید مشاوران، روانشناسان و مربیان تأثیر نوع تربیت و سبک‌های فرزندپروری را در رقم زدن آینده فرزندان در نظر گرفته و در زمان مناسب کارگاه‌هایی را در این زمینه ارائه نمایند.

کلمات کلیدی: سبک فرزندپروری، انگیزه تحصیلی، پیشرفت تحصیلی

مقدمه:

واقعیت مهم آن است که همه پیشرفت‌های شگفت‌انگیز انسان در دنیای امروز برگرفته یادگیری است. انسان بیشتر توانایی‌های خود را از طریق یادگیری به دست می‌آورد. یکی از شرایط مؤثر بر یادگیری در میان یادگیرندگان، انگیزش است. از دید روانشناسان، انگیزش یکی از مفاهیم کلیدی است و برای توضیح سطوح مختلف عملکرد به کار می‌رود. این مفهوم تفاوت میزان تلاش برای انجام تکالیف درسی را بازگو می‌کند (رحیمی پرنجانی، ۱۳۹۴). در کاربردهای آموزشی انگیزش، به تعبیر مختلفی از قبیل انگیزش تحصیلی یا انگیزش یادگیری برخورد می‌کنیم و صاحب‌نظران منبع این انگیزش را گاهی درونی و گاهی بیرونی می‌دانند (کلارک، ۲۰۱۰). انگیزه درونی به‌عنوان دسته مهمی از انواع انگیزش به آن دسته از انگیزه‌ها گفته می‌شود که منبع و کانون آن‌ها در درون فرد و نه در محیط خارج وجود دارد. یکی از عوامل درون فردی انگیزش تحصیلی (دانشگاهی) (motivation) است. انگیزش تحصیلی یک درگیری تحصیلی یا به‌عبارت‌دیگر سرمایه‌گذاری شناختی، عاطفی و رفتاری برای پیشرفت در تعلیم و تربیت بر اساس اهداف آموزشی است (تنهای رشوانلو، حجازی، ۱۳۸۸)؛ که با درجه‌ای که فرد فعالیت‌ها را پیگیری و پافشاری می‌کند، رابطه دارد (نیک‌سیرت و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع انگیزش تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می‌آید و چیزی است که به رفتار شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ تداوم آن به یادگیرنده کمک می‌کند. و به یادگیرنده انرژی می‌دهد و فعالیت‌های او را هدایت می‌کند (نصری و همکاران، ۱۳۹۳). انگیزش مهم‌ترین شرط یادگیری است. علاقه به یادگیری محصول عواملی است که به شخصیت و توانایی دانش‌آموز، ویژگی‌های تکالیف، مشوق‌ها و سایر عوامل محیطی مربوط است. برانگیختگی به دلیل آثار بلندمدت آن در یادگیری و خودباوری دانش‌آموزان، برای والدین و معلمان بارز است. دانش‌آموزان با انگیزه به راحتی شناخته می‌شوند. آن‌ها به یادگیری اشتیاق داشته، علاقه‌مند، کنجکاو، سخت‌کوش و جدی هستند. این دانش‌آموزان به راحتی موانع و مشکلات را از پیش پای خود برمی‌دارند. زمان بیشتری برای مطالعه و انجام تکالیف مدرسه صرف می‌کنند (رحیمی پرنجانی، ۱۳۹۴). مک‌کلند که از پیش‌تازان تحقیق در زمینه انگیزش پیشرفت است، بر این باور است که آینده هر جامعه‌ای، وابسته به سطح انگیزش پیشرفت فعلی دانش‌آموزان آن جامعه است (نصری و همکاران، ۱۳۹۳). در زمینه انگیزه تحصیلی نظریه‌های مختلفی وجود دارد. ولی متداول‌ترین نظریه در این خصوص نظریه خودمختاری دسی و رایان (۱۹۸۵) است. از طرفی شرایط خانوادگی مؤثر بر ویژگی‌های روان‌شناختی به‌خصوص انگیزش دانش‌آموزان را از ابعاد و منظرهای گوناگون می‌توان بررسی کرد. والدین و تجارب فرزندپروری آن‌ها نقش مهمی در ادراکات محیطی افراد دارد و این ادراکات به‌نوبه‌ی خود نقش مهمی در باورهای انگیزشی و خودتنظیمی افراد بر جای می‌گذارد (رحیمی پرنجانی، ۱۳۹۴). خانواده به‌عنوان نخستین محیطی که کودک در آن رشد می‌کند، در پرورش نیازهای مختلف کودکان نقش بسزایی دارد. کودک نخستین آموخته‌ها را در محیط خانواده و سپس در مدرسه می‌آموزد. این تأثیر در دوران مدرسه نیز باقی می‌ماند و ادامه پیدا می‌کند (نیک‌سیرت و همکاران، ۱۳۹۵). روابط والدین و سایر اعضای خانواده، چون شبکه و نظامی درهم‌پیچیده است که افراد آن درکنش متقابل با یکدیگرند. تردیدی نیست که والدین بر اساس ویژگی‌هایی که مایل هستند فرزندشان دارا باشند، روش‌ها و الگوهایی را به‌منظور تربیت آن‌ها اتخاذ می‌کنند (رفاهی، طاهری، ۱۳۹۸). رفتارها، اعتقادات و آداب‌ورسوم والدین در برخورد با فرزندان و شیوه‌های تربیتی آن‌ها، اغلب از اصول و چارچوبی تکراری و نسبتاً پایدار پیروی

می‌کنند که از آن بانام سبک‌های فرزندپروری^۱ والدین نام‌برده می‌شود. فرزندپروری به‌عنوان فعالیتی پیچیده شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به‌طور مجزا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. پایه و اساس شیوه‌ی فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است. همچنین بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با آن‌ها است و عامل مهمی برای تحول و یادگیری به‌حساب می‌آید (هولنستین، ۲۰۰۴). سبک‌های فرزندپروری همچنین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی رشد روانی-اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و فرزندان در آینده باشد. بامریند والدین را بر اساس دو بعد پاسخگویی و تقاضا طبقه‌بندی کرد و سه نوع مختلف از سبک‌های فرزندپروری را تعریف نمود؛ هرکدام از این سبک‌ها در چهار زمینه‌ی نظم، ارتباط، انتظارات و بیان احساسات و عواطف باهم متفاوت هستند. سبک مقتدرانه با پاسخگویی و تقاضای بالا، سبک استبدادی با پاسخگویی کم و تقاضای زیاد و سبک سهل‌گیرانه با پاسخگویی زیاد و تقاضای کم (دنیئا، ماریا، ۲۰۱۵). تقاضا و توقع داشتن سطحی از کنترل است که والدین بر فرزندان اعمال می‌کنند. این بعد به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با توانایی‌های فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد. پاسخگویی؛ شامل گرمی و عواطف مثبتی است که از طرف والدین به فرزندانشان داده می‌شود. این بعد به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در فرزندان، حمایت و اطمینان بخشی به آن‌ها اشاره دارد. (لانگرینی، ۲۰۱۵). والدین دارای سبک مستبد برای انضباط ارزش خیلی زیادی قائل‌اند. قوانین سخت‌گیرانه‌ای وضع می‌کنند و سعی می‌کنند کنترل خیلی بالایی بر کودک داشته باشند. در عوض این والدین اهمیت کمتری به احساسات و هیجانات کودک می‌دهند صمیمیت عاطفی کمتری با کودک ایجاد می‌کنند. والدین مستبد باور دارند کودکان باید از همه قوانین بدون استثنا و بی‌چون‌وچرا اطاعت کنند. این گروه والدین عموماً خیلی توضیح منطقی در مورد تربیت خود به کودک نمی‌دهند. والدین دارای سبک سهل‌گیرانه بیشتر اجازه می‌دهند کودک هر کاری دوست دارد انجام دهد و هدایت و جهت‌دهی کمتری نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد مشکلات عدیدی در انتظار این کودکان باشد. کودکان دارای سبک تربیتی آسان‌گیر بیشتر امکان دارد مشکلات رفتاری نشان دهند؛ زیرا از منبع اقتدار و قوانین بهره‌مند نشده‌اند. همچنین ممکن است عزت‌نفس پایین‌تری پیدا کنند. این کودکان ممکن است در کنترل هیجانات و بازداری رفتاری تا حدی دچار مشکل شوند. به دلیل اینکه در کودکی رفتارهایشان کمتر هدایت و کنترل شده است. والدین دارای سبک مقتدر، تلاش زیادی برای ایجاد و حفظ یک رابطه مثبت با کودکشان می‌کنند. آن‌ها در تربیت کودک قانون وضع می‌کنند و پیامد عدم رعایت قوانین را اجرا می‌کنند؛ اما احساسات کودک را در هر موقعیت در نظر می‌گیرند. در سبک مقتدرانه به احساسات کودک توجه و ارزش داده می‌شود، اما این موضوع روشن می‌شود که در نهایت والدین مسئول تربیت هستند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع تأثیر خانواده در رشد همه‌جانبه کودک از لحظه تولد آغاز و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می‌شود و در سراسر زندگی باقی می‌ماند. روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل مؤثر در انگیزش و هدایت تحصیلی آنان است. تحقیقات متعددی به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته‌اند. گرولینگ و رایان (۱۹۸۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که بعد حمایت از خودمختاری والدین با خودتنظیمی مرتبط است. برخلاف درگیری پدر، درگیری مادر رابطه معناداری با انگیزش درونی دارد. نمیک و همکاران (۲۰۰۶) هم نشان می‌دهد که سبک‌های حمایت از خودمختاری و درگیری و گرمی والدین رابطه مثبتی با اشکال انگیزش درونی و رابطه منفی با انگیزش بیرونی و بی‌انگیزگی دارد. در حقیقت

¹ Parenting styles

آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی که عهده‌دار امر تحصیل و تعلیم دانش‌آموزان می‌باشد، با رشد اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و توسعه علمی، صنعتی و اقتصادی جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد. آمار و ارقام حاکی از مشکلات آموزش و پرورش در وصول به اهداف رسالتی خود است. با وجود هزینه‌های هنگفت، افت تحصیلی به علت عدم وجود انگیزه به تحصیل، همچنان وجود دارد. در این بین در وهله اول نقش والدین در ایفای وظایف خود در فراهم کردن شرایط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با شناسایی عوامل خانوادگی موثر بر علاقه و انگیزه دانش‌آموز به پیشرفت، اولیاء مدرسه می‌توانند با اعمال روش‌های صحیح و برقراری ارتباط صحیح از همه نیروها و امکانات در جهت رشد دانش‌آموزان اقدام نمایند (رحیمی پرنجانی، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد به علت نقش مهمی که دانش‌آموزان در آینده خود و کشورشان بر عهده‌دارند، بررسی این موضوع برای مشاوران، روانشناسان، معلمان، والدین و... بسیار ضروری است و بهتر است این موضوع به‌صورت جامع‌تر مورد بررسی قرار بگیرد. پس هدف از انجام این پژوهش آن است که آیا بین سبک‌های فرزندپروری و انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش:

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری:

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند؛ که تعداد ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و در نهایت پس از ریزش و جدا کردن پرسشنامه‌های ناقص تعداد ۲۶۵ نفر باقی ماندند. ملاک‌های ورود به این پژوهش طلاق نگرفتن والدین و تک‌فرزند نبودن و ملاک‌های خروج از پژوهش کامل نکردن و ناقص بودن پرسشنامه‌ها بود.

ابزار اندازه‌گیری:

الف) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند:

این پرسشنامه خانواده را بر مبنای جو استبدادی، سهل‌انگاره و مقتدرانه بررسی و سنجش می‌کند و حاوی ۳۰ پرسش است. پرسش‌های این پرسشنامه دارای سه گزینه (الف، ب و ج) است و هر گزینه یکی از وضعیت‌های ارتباطی (استبدادی، سهل‌انگاره و مقتدرانه) را می‌سنجد. نمره فرد در این پرسشنامه بر معیار ۳۰ تا ۹۰ است و هر قدر نمره فرد به ۹۰ نزدیک‌تر باشد دارای خانواده‌ای با شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و هر چه قدر به ۳۰ نزدیک‌تر باشد دارای خانواده‌ای با جو ارتباطی مستبدانه است. جورج (۲۰۰۴) در پژوهش خود ضریب پایایی این مقیاس را ۷۹ درصد برآورد کرده است و ضریب آلفای سبک‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر به ترتیب برابر با ۰,۹۳، ۰,۹۰ و ۰,۶۱ به دست آمد (به نقل از نصری و همکاران، ۱۳۹۳).

ب) پرسشنامه انگیزش پیشرفت تحصیلی هارتر:

مقیاس هارتر (۱۹۸۱) از محدود پرسشنامه‌های انگیزشی است که در مقطع دبستان کاربرد دارد و تفاوت‌های انگیزشی را در دو بعد درونی و بیرونی می‌سنجد و به صورت جملات ناتمام است. مقیاس‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲ بعد انگیزش درونی و مابقی سؤال‌ها انگیزش بیرونی را می‌سنجند. ضریب آلفای کرون باخ برای انگیزش درونی و بیرونی به ترتیب ۰,۸۵ و ۰,۹۶ درصد گزارش شده است. بررسی همسانی درونی سؤال‌ها هم بین ۰,۳۰ تا ۰,۷۸ بوده که آمار رضایت بخشی بوده است (نیک‌سیرت و همکاران، ۱۳۹۵).

شیوه اجرا:

پس از تعیین نمونه‌ها (۳۰۰ نفر) و ورود به کلاس و توضیح اهداف تحقیق و محرمانه ماندن اطلاعات برای دانش آموزان و والدین، پرسشنامه‌ها توزیع شد. در این بین تعدادی از والدین انصراف دادند یا بعضی از دانش آموزان نتوانستند پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند که از جمع نمونه‌ها خارج شدند و تعداد ۲۶۵ نفر باقی ماندند. داده‌ها جمع‌آوری و از طریق نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش:

در این پژوهش برای بررسی توصیفی متغیرها از آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

جدول ۱-۱: جدول توصیفی سبک‌های فرزندپروری

سبک	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
مستبدانه	۲۶۵	۱,۰۲	۴,۲۳	۲,۸۰	۱,۵۲
مقتدر	۲۶۵	۱,۲۳	۴,۹۸	۳,۳۰	۱,۱۸
سهل‌گیرانه	۲۶۵	۱,۰۳	۴,۲۳	۲,۵۹	۰,۸۸
کل	۲۶۵				

همان‌طور که از جدول بالا پیداست، تعداد نمونه‌ها ۲۶۵ نفر بوده است که کمترین مقدار برای مستبدانه (۱,۰۲)، مقتدرانه (۱,۰۲۳) و سهل‌گیرانه (۱,۰۳) بوده است. بیشترین مقدار هم برای مستبدانه (۴,۰۲۳)، مقتدرانه (۴,۹۸) و سهل‌گیرانه (۲,۵۹) هست. همچنین میانگین و انحراف استاندارد به ترتیب برای مستبدانه (۲,۸۰ و ۱,۵۲)، مقتدرانه (۳,۳۰ و ۱,۱۸) و سهل‌گیرانه (۲,۵۹ و ۰,۸۸) هست.

جدول ۱-۲: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن داده‌ها

F	مقدار احتمال	sig
۲۶۴	۰,۱۰۱	۰,۰۵>

با توجه به نتایج جدول فوق، برای انجام آزمون‌های آماری از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

جدول ۱-۳: خلاصه آمار استنباطی سبک‌های فرزندپروری

متغیر	n	R	df	R	sig
سبک مقتدرانه	۲۶۵	۰,۶۹۲	۲۶۴	۰,۱۹۵	۰,۰۰۰
سبک مستبدانه	۲۶۵	-۰,۲۱۱	۲۶۴	۰,۱۹۵	۰,۰۰۰
سبک سهل‌گیرانه	۲۶۵	-۰,۱۹۸	۲۶۴	۰,۱۹۵	۰,۰۱۶

با توجه به نتایج جدول فوق، چون سبک مقتدرانه در سطح اطمینان ۹۵ درصد $r = 0.692$ بزرگ‌تر از $R=0.195$ (رابطه مثبت و معنادار) و سبک مستبدانه $r = -0.211$ بزرگ‌تر از $R=0.195$ (رابطه منفی و معنادار) و سبک سهل‌گیرانه $r = 0.198$ بزرگ‌تر از $R=0.195$ (رابطه منفی و معنادار) هست، پس نتیجه می‌گیریم رابطه معناداری بین سبک‌های فرزندپروری و انگیزش تحصیلی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری:

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و انگیزش تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی هر میزان سبک استفاده‌شده به طریق مقتدرانه در تربیت دانش‌آموزان بیشتر استفاده شود، به همان میزان انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان افزایش پیدا می‌کند؛ اما در سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه رابطه منفی و معنادار وجود دارد؛ یعنی به هر میزان از این سبک در تربیت فرزندان کمتر و با احتیاط استفاده شود، انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر خواهد بود. نتایج این تحقیق با پژوهش‌های تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۸۸)، نصری و همکاران (۱۳۹۳)، رحیمی پردنجانی (۱۳۹۴) و نیک‌سیرت و همکاران (۱۳۹۵) همسو هست. در تبیین این یافته‌ها می‌توان به نقل از گروولنیک (۲۰۰۹) گفت: والدین به‌عنوان اولین عامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در ارضای نیازهای روانی کودکان داشته و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند. سبک فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به کودک است که منجر به ایجاد جو

هیجانی می‌شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می‌نماید. در واقع فرزندپروری فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای خاصی است که کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. والدین مقتدر، والدین صمیمی، پذیرا و دلسوز هستند که نسبت به نیازهای کودکان حساس هستند و توقع معقولی برای پختگی دارند و آن را تقویت می‌کنند. کودکانشان از نظر رشدی در سطح بهینه هستند و از نظر اجتماعی مسئول و متکی به خود هستند. هنگامی که والدین و فرزند اختلاف نظر دارند تصمیم‌گیری مشترک انجام می‌دهند و این‌گونه است که انگیزش کودکان و دانش آموزان حفظ و تقویت خواهد شد؛ اما والدین مستبد والدین سرد و طردکننده هستند، توقعات را با فشار و تنبیه اعمال می‌کنند، مزاحم فردیت کودک می‌شوند و برای تصمیم‌گیری به ندرت نقطه نظر کودک را گوش می‌دهند و این‌گونه اعتماد به نفس و انگیزش کودک کاهش پیدا می‌کند. در واقع کودکانی که با این سبک پرورش یافته‌اند اکثراً احساس عدم آزادی و کوچک بودن می‌کنند؛ که باعث می‌شود زندگی ماشینی را در پی بگیرند و فقط تابع دستورات والدین باشند؛ که قطعاً چنین رفتاری ناخوشایند است و منجر به از دست دادن انگیزه در تمام امور زندگی‌شان می‌شود که انگیزه پیشرفت تحصیلی هم از این غائله جدا نیست. والدین سهل‌گیر هم باینکه مهر پذیر و پذیرا هستند اما متوقع نیستند و اجازه می‌دهند کودک در هر سنی که باشد خودش تصمیم بگیرد، حتی اگر هنوز خودش قادر به انجام این کار نباشد. به همین دلیل این فرزندان اکثراً تکانشی و سرکش می‌شوند و اصلاً نیازی به تحصیل و انگیزش پیشرفت در خود حس نمی‌کنند. یعنی وقتی از آن‌ها خواسته می‌شد که کاری را انجام دهند اگر مطابق میل و خواسته‌شان نباشد اطاعت نمی‌کنند. ضمناً آن‌ها بسیار پرتوقع و وابسته به بزرگ‌ترها هستند و در مقایسه با کودکان دیگر استقامت کمتری در تکالیفشان از خود نشان می‌دهند. پس می‌بینیم جو عاطفی و شیوه‌های فرزندپروری در نظم دهی انگیزش و هدایت عمل و رفتار دانش آموزان عنصری کلیدی و بااهمیت است؛ و بهترین روش سبک مقتدرانه است که روشی منطقی و دموکراتیک است که طی آن حقوق والدین و کودکان محترم شمرده می‌شود؛ و فرزندان که با این شیوه تربیت شده باشند شاد و سرزنده هستند و بر تکالیفشان تسلط دارند و دارای عزت نفس بالایی هستند؛ که تمام این موارد تأثیر بسزایی بر انگیزه پیشرفت تحصیلی بر جای می‌گذارد. پس به تمام مشاوران، روانشناسان و مربیان توصیه می‌شود اهمیت این موضوع و نقش پررنگ خانواده را برای والدین توضیح دهند؛ که البته برگزاری کارگاه‌ها در این زمینه و توضیحات به صورت عملی کار آیی این موضوع را دوچندان خواهد نمود.

این پژوهش نیز مانند هر تحقیقی با محدودیت‌هایی همراه بود که رفع آن‌ها بالطبع می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های جدیدی در این حوزه باشد. مثل تعداد نمونه کم و عدم کنترل متغیرهای مزاحم. همچنین پیشنهاد می‌گردد، متغیرهای دیگری چون شرایط شخصیتی، وضعیت اقتصادی نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

منابع:

-تنهای رشوانلو؛ فرهاد، حجازی؛ الهه (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک فرزندپروری والدین با انگیزش و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دبیرستانی، دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد، ۱۶(۳۹): ۱-۱۴.

-رحیمی پردنجانی؛ طیبه (۱۳۹۴). رابطه ادراک از سبک های فرزندپروری با انگیزش تحصیلی دانش آموزان، دومین کنفرانس روانشناسی علوم تربیتی و سبک زندگی، ۱-۱۲.

-
- رفاهی؛ ژاله، طاهری؛ محمد (۱۳۹۸). پیش بینی سبک‌های فرزندپروری مادران بر اساس طرحواره های اولیه و سبک‌های دلبستگی آنان، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۱۰(۱): ۱۶۷-۱۹۴.
- طباطبایی؛ علی، فضلای؛ رخساره، یارعلی؛ جواد (۱۳۹۳) بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان، خانواده و پژوهش، ۱۸: ۸-۲۱.
- نصری؛ صادق، تیموری؛ روح اله، حمیدی؛ مریم (۱۳۹۳). مدلیابی روابط عوامل خانوادگی مؤثر بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی، ۱(۳): ۳۹-۵۱.
- نیک سیرت؛ فرشته، خادمی اشکذری؛ ملوک، هاشمی؛ زهرا (۱۳۹۵). رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر، اندیشه های نوین تربیتی، ۱۲(۴): ۱۵۱-۱۷۵.
- Doinita, N.E. Maria, N.D. (2015). Attachment and Parenting Styles, International Conference Education And Psychology Challenges – Teachers For The Knowledge Society - 3RD Edition, EPC-TKS 2015, Procedia - Social and Behavioral Sciences ... ۲۰۴ – ۱۹۹ (۲۰۱۵) ۲۰۳
- Hollenstein, T. (2004). Rigidity in parent-child interaction and the developmental of externalizing and internalizing early childhood. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32, 595-607.
- Lungarini, Alyssa. (2015). Parenting Styles and Their Relationship with Anxiety in Children. a thesis for the degree of master in science in developmental sciences. university of rhode island. <http://digitalcommons.uri.edu/theses>
- Grolnick, W. & Ryan, R. (1989) Parent styles associated with self-regulation and competence in school. *Journal of Educational Psychology* : Vol81 : pp.143-154.
- Grolnick, W. S. (2009) The role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. *Theory and Research in Education*: Vol 7: pp.164–173.
- Niemic, C. P. Lynch, M. F. Vansteenkiste, M. Brenstein, J. Deci, E. L. & Ryan, R. (2006). The antecedents and consequences of autonomous self –regulation for college: A self determination theory perspective on socialization. *Journal of Adolescence*: Vol 29: pp.761-775.

Investigating the relationship between parenting styles on academic achievement motivation of primary school students in Dezful in the academic year 1399-1400

Samane Heidari

bachelor general Psychology, Islamic Azad University, Dezful Branch, Iran

miss.heidari.1373@gmail.com

Shahla Samomi

Master of Family Counseling, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Ahvaz, Iran.

shahlasamomi@gmail.com

Zahra roosta

Bachelor of General Psychology, Payame Noor University, Arsanjan Branch.iran

Zahrarousta75@gmail.com

Forozan Tarifi

Master student of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Ashtian Branch, Arak, Iran.

forozan345@yahoo.com

Mehran Mohebianfar

Master of Family Counseling, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Ahvaz, Iran.

mehran.mohebian@gmail.com

Amirali.Rajani

Master of Family Counseling, Islamic Azad University, Zarand Branch, Kerman, Iran.

Amirali.Rajani1996@yahoo.com

Abstract:

One of the most effective institutions in the upbringing and human behavior of the family . Which play a role in shaping children's attitudes toward education. The aim of this study was to investigate the relationship between parenting styles with motivation and academic achievement of elementary school students in Dezful. The statistical population includes all primary school students in Dezful. A total of 300 students were selected as the available sample and finally 256 people remained after dropping and separating the incomplete questionnaires. Bamrind Parenting Methods Questionnaire and Harter (1981) Academic Achievement Questionnaire were used to collect information and descriptive statistics (mean and standard deviation (and inferential statistics (correlation) were used to analyze the data. The significance level of the test was $0.05 \geq P$. The results showed that there is a significant relationship between parenting styles and students' academic achievement motivation. Therefore, counselors, psychologists and educators should consider the impact of parenting and parenting styles on shaping the future of children and provide workshops in this field at the appropriate time.

Keywords: parenting style, academic motivation, academic achievement.